

با آنکه چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد که دغدغه اصلی آن را می‌توان عدالت اجتماعی نامید، متأسفانه باید باور کرد که جامعه علمی ما همچنان به یک نظریه منسجم و دقیق در باب عدالت اجتماعی از منظر اسلامی دست نیافته است؛ این در حالی است که ما بیش از هر زمان به این مهم نیاز داریم.

راه‌ناتمام نظریه‌پردازی عدالت

ارزش است. همچنین به این امر اشاره کرده است که برخی با توجه به اصل نسبیت، جوامع لیبرالی معاصر را به دور از بنیان ارزشی می‌دانند، اما در اندیشه اسلامی، بنیاد ارزش‌ها پای در آموزه‌های وحیانی دارند و دارای ثبات، اطلاق و استواری‌اند. ارزش‌های سیاسی اجتماعی متعددی مانند تعهد به اصول شریعت در حکمرانی، فقرزدایی، به دست آوردن رضایت مردم، حفظ کرامت انسان، نگهداری از اخلاق اسلامی، شایسته‌سالاری و انسجام جامعه اسلامی وجود دارد که می‌تواند حرکت آن را به سوی عدالت تضمین کند.

با آنکه چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد که دغدغه اصلی آن را می‌توان عدالت اجتماعی نامید، متأسفانه باید باور کرد که جامعه علمی ما همچنان به یک نظریه منسجم و دقیق در باب عدالت اجتماعی از منظر اسلامی دست نیافته است؛ این در حالی است که ما بیش از هر زمان به این مهم نیاز داریم. زمانی می‌توان به قانون و برنامه عادلانه دل بست که نظریه‌ای دقیق و سخسته، در پشتیبانی این امور وجود داشته باشد و تصمیم‌سازان و قانون‌گذاران از آن فهم و درک عمیقی داشته باشند، امری که در جامعه ما رخ نداده است و ما تا رسیدن به گام مطلوب در اندیشه اسلامی قرآنی راهی طولانی در پیش داریم. در راستای این مهم، نویسنده در فصل آخر به نظریه «ارزش اخلاقی فراگیر و خودبسنده عدالت» می‌پردازد که در واقع نظریه نویسنده و برگرفته از مباحث فصل اول و دوم و سوم کتاب است و بر سه امر کلیدی تأکید دارد: ۱. عدالت، ارزش اخلاقی است؛ ۲. ارزشمندی آن، خودبسنده است؛ ۳. ارزشمندی و الزام‌آوری عدالت، عام و فراگیر است. برای بیان این نظریه، نویسنده به ارکان مفهومی، ارزشی و موضوعی آن پرداخته است. در رکن مفهومی اشاره شده است که تعابیر متنوع از عدالت مانند اعطای حق، نبود تبعیض، نبود جانب‌داری، برابری، استحقاق، توازن و اعتدال داخل حریم معنایی و مفهومی عدالت نیستند، بلکه هریک از آن‌ها می‌توانند منشأ انتزاع و درک مفهوم عدالت قرار گیرند. در رکن ارزشی بر اخلاقی بودن عدالت، خودبسنده‌گی، ذاتی بودن و اطلاق آن اشاره شده است. رکن موضوعی نظریه به فراگیری ارزشمندی اخلاقی عدالت پرداخته است. این بخش هر چند عهده‌دار «نظریه ارزش اخلاقی» است، اما به نظر می‌رسد بحث کامل و تمامی نیست و به مباحث چندلایه و بیشتری نیاز دارد تا به نظریه‌ای تمام‌عیار تبدیل شود، هر چند برای رسیدن به نظریه ظرفیت‌های خوبی دارد. در واقع باید برخی از مباحث مبانی و مفروضات عدالت را نهایی تلقی کرد و به سراغ چالش‌های نظری مانند بحث «تراحمات عدالت» رفت؛ چراکه بسیاری از حکومت‌ها به بهانه امنیت، عدالت را به قربانگاه می‌فرستند، حال آنکه عدالت، خود عامل کلیدی امنیت